

اشاره: مقاله زیر، متن سخنرانی استاد سید محمد مهدی میرباقری است که چند سال گذشته در جمع عده‌ای از طلاب حوزه علمیه و فعالان فرهنگی ارائه شده است. امید است همگی با شناخت و استفاده از فرصت‌ها، قدردان نعمت‌های الهی باشیم.

از «رجب» تا «لیله‌القدر»

استاد سید محمد مهدی میرباقری

در آستانه ماه بافضیلت رجب، روایتی را از کتاب اقبال‌الاعمال مرحوم سید ابن طاووس بیان می‌کنم و به توضیح اجمالی آن می‌پردازم؛^۱

از وجود مقدس رسول الله (ص) نقل شده است که فرمودند:

«إن الله تعالى نصب في السماء السابعة ملكاً يقال له داعي فإذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كل ليلة منه إلى الصباح، طوبى للذاكرين، طوبى للطائعين، و يقول الله تعالى أنا جليسٌ من جالسني، و مطيعٌ من أطاعني و غافر من استغفرتني، الشهر شهرى و العبد عبدى و الرحمه رحمتى فمن دعانى فى هذا الشهر أجبتُه، و من سألنى اعطيتُه و من استهدانى هديته و جعلت هذا الشهر حبلاً بينى و بين عبادى فمن اعتصم به وصل إلى»^۲.

بنا بر مضمون این روایت، خداوند در آسمان هفتم فرشته‌ای به نام «داعی» [فراخواننده]^۳ قرار داده است که هرگاه ماه رجب فرا می‌رسد، هر شب تا صبح فریاد می‌زند: خوشا به حال ذاکران! خوشا به حال اطاعت‌کنندگان! [سپس فرشته از قول خداوند می‌گوید] خداوند می‌فرماید: من هم- نشین کسی هستم که هم‌نشینم باشد، و مطیع کسی هستم که مرا اطاعت کند و آمرزنده کسی هستم که از من آمرزش بخواهد. ماه، ماه من، و بنده، بنده من، و رحمت، رحمت من است؛ پس هرکس در این ماه مرا بخواند اجابتش می‌کنم و هرکس از من بخواهد به او عطا می‌کنم و هرکس

۱- کتاب اقبال‌الاعمال به جامعیت کتاب مفاتیح‌الجنان نیست ولی یکی از کتب مهم محسوب می‌شود که باید از کتب پُرکاربرد طلاب و اهل علم باشد؛ حضرت آیه‌الله بهجت (ره) فرموده بودند که اگر کسی با اقبال رفیق نباشد با ما رفیق نیست.

۲- سید بن طاووس، اقبال‌الاعمال، ص ۶۲۸.

۳- نام داعی یعنی مظهر این اسم است، و این دعوت، صرفاً حرف نیست، بلکه جذباتی از طرف او متوجه اهل راه می‌شود و دعوت او، مظهر دعوت الهی می‌باشد.

از من هدایت بخواهد هدایتش می‌کنم؛ و این ماه را ریسمانی بین خود و بندگانم قرار داده‌ام که هرکس به آن چنگ زند به من می‌رسد.

خداوند این شهر را رشته اتصال بین خود و بندگان قرار داده است؛ یک سر این رشته در اختیار بندگان و سر دیگر آن در محضر الهی است. اگر کسی به این رشته، معتصم شود، به مقام وصول الهی می‌رسد؛ از این‌رو، ماه رجب، شهر وصول الی الله است؛ باطن این ماه مانند باطن قرآن و معصومین (ع)، ریسمان اتصال بین خدای متعال و مؤمنین است؛ روایاتی نیز با این مضمون آمده است که: ماه رجب شهر امیرالمؤمنین (ع) است همان‌گونه که شعبان شهر رسول الله (ص) و رمضان شهر الله است. در معنای انتساب ماه رجب به امیرالمؤمنین (ع) احتمالات زیادی وجود دارد؛ به نظر می‌رسد همه امور عالم، ملکوتی دارد که این نکته شامل اوقات و زمان‌ها هم می‌شود؛ برای مثال، شب جمعه فقط یک ظرف طبیعی نیست، بلکه واقعی است که جایگاه خاصی در عالم دارد؛ در این زمان، ملائکه‌ای نزل پیدا می‌کنند، خیراتی نازل می‌شود و راه‌هایی به سوی باطن انسان گشوده می‌شود. سحر و بین‌الطلوعین هم همین‌گونه هستند. این که گفته شده است که نماز را در اول وقت بخوانید، یک «قرارداد» نیست که تنها با ملاک حرکت خورشید تنظیم شده باشد که اگر یک ساعت دیرتر شد فرقی نداشته باشد؛ یعنی حرکت خورشید، برای خود، مداری داشته باشد و بقیه امور عالم هم مداری داشته باشند! شب جمعه، زمان نزول ملائکه و هنگامی است که درهایی از رحمت گشوده شده و راه‌هایی باز می‌شود، در ساعت بعد، این شرایط و فضا برای قرب فراهم نیست.

ماه‌ها هم این‌گونه هستند؛ یک معنای انتساب ماه رجب به امیرالمؤمنین (ع) این است که ولایت حضرت در این ماه تجلی می‌یابد و راه درک ولایت در این ماه گشوده می‌شود. در این ماه می‌توان از ولایت امیرالمؤمنین (ع) بهره‌مند و به وادی این ولایت وارد شد. به عبارت دیگر، می‌توان به شفاعت حضرت امیر (ع) رسید؛ چرا که رجب، ماه شفاعت ایشان است و حضرت در این ماه برای هدایت انسان به ولایت خود، شفاعت می‌کنند.

بنابراین، رجب یا ماه امیرالمؤمنین حبلی است که انسان را به مقام وصول می‌رساند. یکی از تجلیات ولایت حضرت در باطن این ماه است. از این ماه درهایی به سوی درک این حقیقت

[ولایت] گشوده شده است. در نتیجه، اعمال این ماه، اعمال بسط قرب و به عبارتی، راه‌هایی برای رسیدن به آن حقیقت منتشر شده در این ماه است.

در ماه شعبان - که ماه نبی اکرم (ص) است - نیز انسان می‌تواند با صیام و قیام به شفاعت نبی اکرم (ص) برسد؛ شفاعتی که طریق اتصال انسان به حقیقت توحید و قرب وصال است. هیچ کس بدون شفاعت نبی اکرم (ص) به درجات قرب نمی‌رسد.

شخصی که نامش ابویمن بود بر حضرت ابوجعفر (ع) وارد شد و گفت: ای ابا جعفر! شما مردم را می‌فریبید و به غرور در می‌آورید و دائم می‌گوئید: شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ، شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ!

حضرت امام محمد باقر (ع) در حالی که آثار غضب در سیمایشان مشهود شد، گفتند:

«ویحک یا ابا ایمن! اُغْرَکَ أَنْ عَفَّ بَطْنُکَ وَ فَرَجُکَ؟! أَمَا لَوْ رَأَيْتَ أَفْزَاعَ الْقِيَامَةِ، لَقَدْ احْتَجَّتْ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ! وَيَلْکَ! فَهَلْ يَشْفَعُ إِلَّا لِمَنْ وَجِبَتْ لَهُ النَّارُ؟»^۴ وای بر تو ای ابو ایمن! آیا همین قدر که شکم و فرج خود را عقیف نگاه داشتی، در غرور افتادی که از شفاعت بی‌نیازی! سوگند به خدا که اگر هول‌ها و ترس‌های روز قیامت را ببینی، هر آینه به شفاعت محمد محتاج خواهی بود! وای بر تو مگر او جز کسانی را که آتش بر آنها لازم شده است شفاعت می‌کند؟

سپس فرمودند: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۵ هیچ‌یک از پیشینیان و هیچ‌یک از پسینیان نیست، مگر آن‌که به شفاعت محمد در روز قیامت، نیازمند است. [یعنی هر کسی متناسب با درجات خود و به شفاعت نبی اکرم (ص)، حقایق قیامت را درک می‌کند].

در روایت ماه شعبان آمده است که منادی نبی اکرم (ص) به دستور حضرت در مدینه ندا می‌داد: این ماه، ماه من است؛ من را به روزه این ماه کمک کنید. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: از وقتی این ندا را شنیدم روزه این ماه را ترک نکردم. در حقیقت، حضرت می‌خواهند شفاعت کنند و روزه یکی از

۴- تفسیر قمی، ص ۵۳۹.

۵- همان.

رشته‌های شفاعت ایشان است؛ باطن صوم، ولایت و شفاعت نبی اکرم (ص) است؛ صوم به تنهایی خاصیتی ندارد، جز این که انسان را به شفاعت حضرت نائل کند. ماه نبی اکرم (ص)، ماهی است که رحمت و رضوان در آن منتشر است. در این ماه، می‌توان به مقام رحمت و رضوان رسید. این رحمت، رحمت رحیمیه یا همان مقام رضوان است؛ مقامی که از آثار رحمت رحیمیه خدای متعال است. به این ترتیب، راه رسیدن به مقام رضوان که فوق همه درجات بهشت است، به برکت نبی اکرم (ص) باز می‌شود. به نظر می‌آید که صیام و قیام نبی اکرم (ص) برای قرب و شفاعت بوده است. هر کس بخواهد به شفاعت حضرت برسد باید همان صیام و قیام را داشته باشد. با عبادت نبی اکرم (ص) درهای رضوان گشوده می‌شود؛ «بکم یسلک إلی الرضوان»^۶ به واسطه نبی اکرم (ص)، مقام رضوان پائین آمده و قابل دست‌رس شده است. حضرت در روایتی توضیح می‌دهند که این درخت طوبی شاخ و برگ‌های خود را فرود می‌آورد تا مردم به آن متمسک شوند؛ منظور از این امر، در واقع همان شفاعت نبی اکرم (ص) است.

پس ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین (ع) یا به تعبیر دیگر مهمانخانه رجب، مهمانخانه حضرت امیر (ع) است. اهل الله از این ماه می‌توانند وارد وادی ولایت شوند و پس از آن، به شهر نبی اکرم (ص) که شهر ضیافت و شفاعت ایشان است، برسند. سپس، کسانی که این دو وادی را طی کنند مقام توحید و شهرالله را در پیش خواهند داشت که ضیافتی خاص است؛ البته آن هم [وابسته] به ضیافت نبی اکرم (ص) است؛ هر چند که بساط دیگری است.

ولادت وجود مقدس و مسعود حضرت امیرالمؤمنین (ع) در ماه رجب واقع شده است و در پایان این ماه هم «بعثت» نبی اکرم (ص) روی داده است. این دو حقیقت در ماه رجب، جاری و ساری است و مقدمه ماه شعبان و رمضان هستند. مرحوم آقا میرزا جواد ملکی (رض) در رساله المراقبات می‌فرماید: خوب است آقایان اهل علم، در کنار کسب علم که خودش نوعی عبادت است، عبادت-هایشان را در این دو، سه ماه افزایش دهند؛ این ماه فضایی است که عبادات آن، آثار خاصی دارد. در این ماه دعوتی خاص هم آمده است و منادی الهی این‌گونه همه را دعوت می‌کند: انا جلیس من جالسني، مطیع من اطاعني، غافر من استغفرتني ...، مرحوم میرزا جواد ملکی (رض) می‌گویند: اگر آدم

۶- زیارت جامعه کبیره.

به اندازه همه خلائق جان داشت خوب بود که به خاطر تکریم این خطاب و در استقبال به این خطاب الهی که «انا جلیس من جالسنی و مطیع من اطاعنی ...» جان بدهد!

رجب، مقدمه شعبان و رمضان است. آمادگی برای ماه رمضان و شعبان باید از این ماه حاصل شود. اگر حقیقت ماه رجب درک نشود، ورود به ماه شعبان و ماه مبارک رمضان مشکل است؛ بنابراین باید از مدخل ولایت حضرت امیر (ع) وارد شد؛ چرا که «أنا مدینه العلم و علیّ بابها». امیرالمؤمنین (ع)، باب نبی اکرم (ص) و باب الله هستند؛ پس این ماه، مدخل است.

یکی از اساتید بزرگ ما می فرمود: هنگام جوانی در شب ۲۷ رجب یا شب غدیر در نجف به حرم رفتم؛ بین الطلوعین شده و سپیده زده بود، مرحوم آیت الله فکور را دیدم.^۷ می خواستم به حرم بروم و ایشان در حال خارج شدن بود. مقابل کفش داری شلوغ بود؛ ایشان کفش را گرفت و در کنار گوش من گفت: من سه روز است جز یک استکان چای چیزی نخورده‌ام. به من بر خورد! گفتم یعنی چه؟ یعنی این پیرمرد عابد در خانه حضرت امیر (ع) می گوید سه روز است جز یک استکان چایی نخورده‌ام؟ گفتن این حرف آن هم در کفش داری حضرت امیر (ع) چه معنایی دارد؟ داخل حرم، گوشه‌ای ایستادم و سه ساعت زیارت غدیریه حضرت را خواندم، خسته شدم و از حرم بیرون آمدم و به منزل رفتم و خوابیدم. در خواب دیدم در حرم حضرت امیر (ع) هستیم؛ حرم خلوت بود و من هم گوشه‌ای ایستاده و زیارت می کردم، حالتی در زیارت همان حال قبلی بود، اما دیدم آقای فکور بین زمین و آسمان با همه وجود، طواف و زیارت می کند؛ نه با زبانش، همه وجودش طائف و مشغول زیارت حضرت است. متوجه شدم که آن بزرگوار به من چه گفت: شما دیر آمدید! بین-الطلوعین است، شب مبعث گذشته است، باید از قبل مراقبه کنید. یعنی اگر مراقبه‌ای از قبل نباشد انسان خسته می شود؛ اگر انسان تمهید قواعد نکند، تا چشم به هم بزند فرصت تمام می شود.

این دو ماه از یک طرف، به طور حقیقی و تکوینی مدخل ورود رمضان هستند؛ به نحوی که بدون این دو نمی شود وارد رمضان شد. از طرف دیگر، این دو ماه بستر و آمادگی برای ورود به ماه رمضان، و ماه رمضان هم بستر و آمادگی برای ورود به شب قدر است؛ یعنی باید این مسیر طی شود

۷ - ایشان از علمای ابواب معرفت و آدم فوق العاده‌ای بودند. بزرگواری نقل می کرد که استخاره‌های ایشان خیلی عجیب بود، و مرحوم آیت الله بروجردی استخاره‌هایشان را به ایشان می دادند.

تا انسان به ليله‌القدر برسد. ورود به آن وادی ضیافت، این دو سه ماه ریاضت را به عنوان مقدمه می‌طلبد؛ چرا که «من عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك ليله‌القدر»؛^۸ البته مقدمه‌اش توسل به امیر المؤمنین (ع) و نبی اکرم (ص) است؛ در قلب ضیافت الهی، معرفت حضرت زهرا (س) نهفته است، که انشاءالله این مقدمات می‌تواند زمینه درک آن حقیقت باشد؛ باید توجه کرد که مقام ایشان مقام عجیبی است، بنابراین لازم است این وادی طی شود تا انسان به شب قدر برسد.

باید دقت داشت که «حمد» هم در آغاز نعمت و هم در پایان آن برای بهره‌مندی از نعمت لازم است. حمد در آغاز نعمت، مقدمه شکر و در پایان نعمت که فرصت‌ها تمام شده است، مقدمه استغفار است. حمد مقدمه تضرع و ابتهال و رجاء و تمسک به فضل الهی است. اگر انسان در مدخل ماه رجب، حامد نباشد و نعمت خدا را نبیند و به این نعمت که خدای متعال در اختیار ما قرار داده است، توجه نکند، این نعمت کفران می‌شود.

این فرصت‌ها بسیار مغتنم است. انشاءالله خدای متعال در این ماه‌ها ما را به ولایت امیرالمؤمنین (ع)، نبوت نبی اکرم (ع) و به ضیافت خاص و درک ليله‌القدر و عید فطر و برکات آن موفق بدارد.

۸- علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۶۵، و تفسیر فرات کوفی، ذیل سوره قدر.